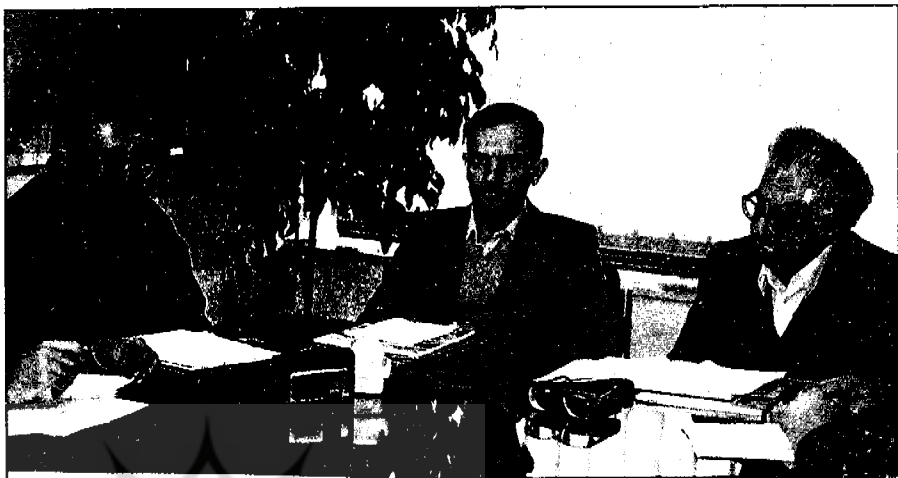


جایگاه و راهبردهای ترویج در

منابع طبیعی

- تهیه کننده: مسعود پیرو شعبانی
- کارشناس آموزش و ترویج کشاورزی



● اشاره:

باتوجه به اهمیت غیر قابل انکار منابع طبیعی و عنایت به نقشی که در اقتصاد ملی دارا می‌باشند و همچنین به مناسبت هفته منابع طبیعی و به منظور کسب نظرات و دیدگاههای ارزشمند اساتید و تبیین مسائل اساسی در مورد این موضوع مهم، میزگردی تحت عنوان «جایگاه و راهبردهای ترویج در منابع طبیعی» با حضور آقایان دکتر ملک محمدی، دکتر مهرابی و مهندس غروی تشکیل گردید و هر کدام بنا بر تخصص خود به سوالات مطرح شده، پاسخ دادند. متن زیر حاصل گفتگوهای این میزگرد است.

● منابع طبیعی چه نقش اساسی در حیات کشور داشته و دارند؟

دکتر مهرابی:

منظور از منابع طبیعی (منابع تجدیدشونده) عبارت است از: منابعی، مانند: آب، پوشش گیاهی، خاک، جنگل و سایر منابع دیگری که ارتباط با محیط زیست دارد. نقش این منابع در حیات کشور، از جنبه‌های بسیاری با اهمیت است که مهمترین آن، نقش این منابع به عنوان نگهدارنده زیربناهای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشور است. در واقع، منابع طبیعی هر کشور و به خصوص کشور ایران، از منابع هستند که زیر بنای اصلی توسعه کشاورزی و اقتصاد ملی کشور محسوب می‌شوند.

آب، خاک، جنگل و مرتع و ... اگر چه نقش اول و عمده‌ای در اقتصاد کشور ندارند، لکن جایگاه معین و مشخصی در اقتصاد ملی کشور دارند. از جنبه اجتماعی هم زندگی بخشی از مردم کشور؛ روستائیان و عشایر وابستگی مستقیم به این منابع دارند.

دکتر ملک محمدی:

یکی از پایه‌های اساسی، برای تداوم فعالیتهای طبیعی در کشور، منابع طبیعی است. به خصوص وقتی که بحث از کشاورزی پایدار باشد، این بخش باید منابع اولیه خود را ثابت نگه دارد و از افزوده آن بتواند بهره‌برداری کند. بی توجهی به منابع طبیعی، که در سالیان دراز، در این کشور صورت گرفته است، کشور را به مرز خطرناک انهدام منابع طبیعی سوق می‌دهد. گسترش کویر، خشکسالی، کاهش تدریجی جنگلها، چرای بی‌رویه مراتع و ... همه اینها، زنگ خطری است، که اعلام میدارد، اگر به فکر این منابع نباشیم، لاجرم در آینده حیات کشور از جهات مختلف به خطر خواهد افتاد. به لحاظ اهمیتی که این منابع در زندگی مردم کشور داشته‌اند مردم از قدیم سعی در حفظ این منابع می‌نمودند و این مواهب الهی را گرامی می‌داشتند. اما متأسفانه، با گسترش شهرنشینی و افزایش دامنه جمعیت‌های شهری و بالارفتن مصرف و گسل جوامع شهری و روستایی، این منابع به تدریج

رو به تخریب نهادند که یکی از چهره‌های بارز این قضیه، آلودگی هوای تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور است.

● در چندسال اخیر، بحثی تحت عنوان ترویج منابع طبیعی، به طور اعم و ترویج آبخیزداری به طور اخص، مطرح شده است. ترویج آبخیزداری چیست و چه تفاوتی با ترویج کشاورزی دارند؟ مهندس غروی:

تفاوت ترویج آبخیزداری با ترویج کشاورزی به تفاوت خود آبخیزداری و کشاورزی برمی‌گردد. تعریفی که از آبخیزداری، حدود ۲۰ سال مطرح بود (قبل از برنامه پنج سال اول و تفکیک وزارت کشاورزی و وزارت جهاد سازندگی)، بیشتر منظور حفاظت از خاک و کنترل آن بود. اما امروز، در دنیا و همچنین در کشور، آبخیزداری را به عنوان مدیریت منابع موجود در یک حوزه آبخیز تلقی می‌کنند و نه تنها یک مقدار کار فنی و مهندسی بلکه نوع کار بیشتر مدیریتی است؛ که رکن اساسی آن ترویج و مشارکت مردمی می‌باشد. ترویج آبخیزداری در واقع، ترویج یک نگرشی به مسائل است، که به آن نگرش سیستمی گفته می‌شود و سه ویژگی عمده دارد: باید کل نگر بود، آینده نگر بود و زرف نگر بود. این سه ویژگی پیام اصلی آبخیزداری



دکتر ملک محمدی :

● در قالب رسمی، ترویج منابع طبیعی از سال ۱۳۲۸ در حد گسترده‌ای در وزارت کشاورزی شکل گرفت. زمانی که ترویج کشاورزی از طریق بنیاد خاور نزدیک در ورامین به صورت آزمایشی زمزمه شد، در طرحی به عنوان «طرح مُقبل» (دکتر مقبل وزیر کشاورزی وقت) مطرح شد و ترویج به عنوان یکی از سه رکن اساسی وزارت کشاورزی مد نظر قرار گرفت و اگرچه، تشکیلات مفصلی برای آن تدارک شد. اما، متأسفانه ترویج منابع طبیعی، به دلیل اعتقاد مسؤولان به استفاده از روش‌های بازدارنده، کمتر توسعه پیدا کرد.

● کشاورزی جزء فرهنگ مردم کشور است. اما، منابع طبیعی، فعلاً بدرستی جزء فرهنگ آنها نیست؛ در عین حال در جایی که مسؤولین نمی‌توانند با امکانات موجود، منابع طبیعی را احیا کنند، لاجرم باید به مشارکت مردمی در منابع طبیعی روی کرد و احیای این منابع را با نشر دانش فنی مربوط، که همان ترویج منابع طبیعی است، احیا و حفظ کرد و گسترش داد.

فعالیت‌هایی است که خارج از امکانات و توان دولت است و به دلیل گستردگی و پراکندگی، باید به دست مردم انجام گیرد. در این مورد، نکاتی چون عدم انجام چرای زودرس، عدم تغذیه از جوانه‌های گیاهان حفظ قدرت زادآوری و بارآوری گیاهان، حفظ نسل گیاهان و حفظ منابع آب و بهره‌برداری از آب برای تولیدات زراعی، از نکاتی هستند که نیاز به ترویج، آموزش و در نتیجه، آگاه‌سازی مردم دارند. باید نحوه استفاده درست از منابع طبیعی به مردم آموزش داده شود و تکنولوژی‌های مختلف استفاده بهینه از منابع طبیعی را، در اختیار آنها قرار داد. کشاورزی جزء فرهنگ مردم کشور است، اما منابع طبیعی، فعلاً به درستی جزء فرهنگ آنها نیست. در عین حال، در جایی که مسؤولین نمی‌توانند، با امکانات موجود، منابع طبیعی را احیا کنند، لاجرم باید به مشارکت مردمی در منابع طبیعی روی کرد و احیای این منابع را با نشر دانش فنی مربوط که همان ترویج منابع طبیعی است، احیا و حفظ کرد و گسترش داد.

دکتر مهربانی :

سابقه کشور در کشاورزی، به بیش از دو هزار سال می‌رسد، در آب نیز یک تجربه طولانی و عمیقی وجود دارد. بعضی از نظریه پردازان، ایران را جزء کشورهای دارای تمدن آبی قرار داده‌اند. تاریخ سد سازی و همچنین شیوه‌های آبیاری کشور، نشان می‌دهد که تجارب در این زمینه بسیار است. در زمینه جنگل، به دلیل نیاز به تکنولوژی جدید، تجربه کمتری داریم، اما در مرتع، به لحاظ وجود عشایر و دامداری، بیش از هزار تا هزار و پانصد سال قدمت داریم. با توجه به تجارب طولانی کشور، در زمینه‌های مختلف، سؤال این است که چرا به اینجا رسیده‌ایم؟ چرا انتقال دانش جدید، تکنولوژی و انتقال یافته‌های جدید، با مشکل روبرو شده‌است؟

● ترویج در منابع طبیعی چه جایگاهی دارد و اساساً ترویج منابع طبیعی چه نقشی در توسعه پایدار ایفا می‌کند؟

دکتر مهربانی :

اگر به لحاظ اقتصادی - اجتماعی، به منابع طبیعی نگاه شود، مهترین جایگاهی که ترویج می‌تواند داشته باشد، برقراری ارتباط ارگانیک میان

است.

تفاوت دیگر این دو حوزه، تفاوت در مخاطبین است. مخاطبین آبخیزداری تنها روستائیان و عشایر نیستند، بلکه بخش عمده مخاطبین متخصصین، برنامه‌ریزان و سایر مسؤولین کشور می‌باشند. تخریب‌هایی که صورت می‌گیرد، قسمتی از آن توسط بخش کشاورزی و تخریب‌های ناشی از راه‌سازی، معدن، پروژه‌های مختلف، حتی شهر سازی که اینها به روستایی بر نمی‌گردد و به برنامه‌ریزان متخصصین و کارشناسان کشور مربوط می‌شود. مخاطبین این حوزه، وسیع‌تر از مخاطبین ترویج کشاورزی می‌باشند.

● منظور از ترویج منابع طبیعی چیست و چه تفاوت‌هایی با ترویج کشاورزی دارد؟

دکتر ملک محمدی :

کشاورزی از قدیم جزء لاینفک فعالیت‌های مردم این کشور بوده‌است. ایران یک کشور کشاورزی و دامداری بوده و در متون قدیمی نیز به عنوان کشوری فلاحی و چوپانی مطرح شده‌است. تا زمانی که مردم به شکل طبیعی به زراعت می‌پرداختند و تولید می‌کردند و در نتیجه عایداتی در حد رفع نیاز داشتند، کمبودی احساس نمی‌شد و نیازی به ترویج کشاورزی یا منابع طبیعی نبود. چرا که ترویج در کشاورزی، به معنای انتقال تکنولوژی برای تولید بیشتر و برآورد نیازهای مردم از طریق تکنولوژی است.

اصلی‌ترین کار ترویج، انتقال تکنولوژی به دست مردم است، تا بتوانند، کار بهتری را با زحمت و سرمایه‌گذاری کمتری انجام دهند. اما در رابطه با منابع طبیعی هم (مثلاً در مورد جنگل و در قالب تکنولوژی تولید چوب)، نمی‌توان تکنولوژی را به راحتی به مردم انتقال داد. چرا که این تکنولوژی، یک حرکت ملی و صنعتی است و مردم امکان دسترسی به تکنولوژی آن را ندارند. اما در مرتع، مسأله متفاوت است؛ چرا که، مرتعداری فعالیتی در اختیار دامداران سراسر کشور و در عرصه چند ده میلیون هکتاری مرتع است. اگر تکنولوژی برداشت از مرتع و چرای آن، به صورت گسترده انتقال نیابد، فرسایش مرتع متوقف نخواهد شد. پس، علاوه بر تکنولوژی بهره‌برداری از مرتع و بازسازی مرتع، مسأله تجدید حیات مرتع نیز مطرح می‌باشد. مورد اخیر، از سری



دکتر مهربابی :

● سابقه کشور در کشاورزی به بیش از ۲ هزار سال می‌رسد : تاریخ سد سازی و آبیاری کشور نشان می‌دهد که تجارب در این زمینه بسیار است. در زمینه جنگل به دلیل نیاز به تکنولوژی جدید، تجربه کمتری داریم. اما در مرتع به لحاظ وجود عشایر و دامداری بیش از هزار تا هزار و پانصد سال قدمت داریم. با توجه به تجارب طولانی کشور در زمینه‌های مختلف، سؤال این است که چرا به اینجا رسیده‌ایم؟

● اگر از دید اقتصادی - اجتماعی، به منابع طبیعی نگاه شود، مهمترین جایگاه ترویج در این زمینه برقراری ارتباط ارگانیک بین سیاستگذاران مدیریت منابع طبیعی و مرتع و کسانی که به نوعی زندگی روزمره‌شان با این منابع در ارتباط است، می‌باشد.

توسعه پایدار باشد. لذا سرمایه‌گذاری‌های انسانی و اقتصادی در هر پروژه عمرانی، اگر بر پایه یک آبخیز تثبیت نشده‌ای صورت گیرد، راه به جایی نمی‌برد.

● نحوه دخالت عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در ترویج منابع طبیعی چگونه است؟

را در جامعه افزایش دهیم، نیست. تنها بخشی که می‌تواند در بین مردم و به صورت آموزشهای آزاد و آگاهیهای روزمره و تکنولوژیهای کاربردی این کار را سامان دهد، ترویج است. اعم از این که ترویج در کشاورزی باشد یا در منابع طبیعی، پس نیروی محرکه توسعه، در اینجا، ترویج است. این، یکی از قویترین تعاریفی است، که نقش ترویج را در توسعه مطرح می‌کند.

● نقش عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مدیریت منابع طبیعی، را چگونه می‌بینید؟

مهندس غروی :

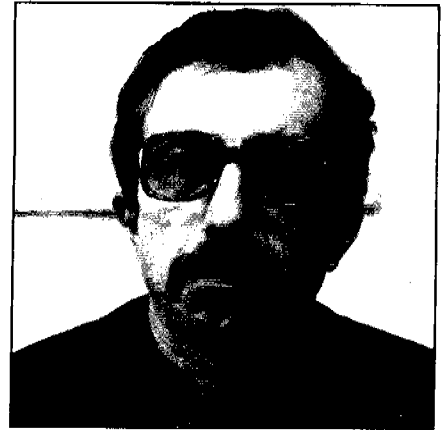
یکی از موانع عمده رسیدن پیام ترویج به روستاییان و عملی شدن آن، فقر فرهنگی و فقر اقتصادی است، که باعث شده، روستایی جرأت ریسک نداشته باشد و قدرت سرمایه‌گذاری را از او می‌گیرد. پس اگر لازم باشد، ترویج را به معنای انتقال تکنولوژی یا یک سری روشها به روستایی تعمیم داد، ضرورت داشتن یک حداقلی از زیر بنای اقتصادی - اجتماعی، برای گرفتن پیام ترویج در منابع طبیعی حس می‌شود، چرا که به تجربه ثابت شده‌است، نقاطی که زیر بنای اقتصادی بهتری دارند و از نظر سواد در سطح بالاتری قرار دارند، خیلی راحت‌تر پیام را دریافت کرده، روشها را اعمال می‌کنند. داشتن این حداقل، برای گرفتن پیام ترویج، تاثیر مقابلی نیز در بالا بردن سطح اقتصادی و اجتماعی زندگی روستاییان دارد. پیام اصلی، نگاه دراز مدت به مسائل و عمیق‌تر نگاه کردن به آنها است، چیزی که در طول تاریخ کشور، مردم زیاد فرصت نداشته‌اند، به آن پی ببرند. چرا که، همیشه یا مورد تاخت و تاز مشکلات از بیرون بوده‌اند و یا درگیر مسائل داخلی و شرایط سخت اقلیمی مانند : زلزله، سیل و غیره، بس یا حفظ منابع طبیعی و در نتیجه با ثبات بستر زندگی روستایی، می‌توان برای مدت طولانی برای آنها برنامه‌ریزی کرد. ما نمونه‌های زیادی را شاهدیم که بعد از انجام پروژه‌های آبخیزداری، روستاییان برگشتند (ایرانشهر یکی از همان جاهاست که روستاییانی که برگشته بودند، چادر زده بودند تا بتوانند در فرصت آتی، خانه‌ای برای خود بنا کنند). پس منابع طبیعی یعنی آب و خاک و ... اگر ثبات بیابد، می‌تواند به عنوان یک زیر بنا برای

سیاستگذاران مدیریت منابع طبیعی و مرتع و کسانی که به نوعی زندگی روزمره‌شان با این منابع در ارتباط است، می‌باشد. طبیعی است اگر این پیوند و این ارتباط به درستی برقرار شود، توسعه و مدیریت منابع طبیعی، یک مدیریت هماهنگ و مستمر می‌باشد و انتقال دانش نوین و اشاعه آن ساده‌تر خواهد بود.

● ترویج چه نقشی در توسعه پایدار دارد و تا چه اندازه‌ای می‌تواند در این زمینه، مهم و مؤثر واقع شود؟

دکتر ملک محمدی :

توسعه پایدار به معنی ثبات در توسعه، تداوم توسعه سالم و سلامت توسعه مستمر، همراه با حفظ منابع اصلی و پایه است. اگر توسعه به صورت عادی و معمولی مطرح باشد، یک مفهوم پیدا می‌کند و به یک مدیریت نیاز دارد. ولی اگر توسعه به صورت پایدار صورت بگیرد، به مدیریت دیگری نیاز دارد. جهان امروز، به لحاظ توجه به عوارض منفی و عوارض جنبی توسعه متداول، توسعه پایدار را مطرح کرده‌است که نیاز به مدیریت بسیار جدی تری دارد. در کشورهای جهان سوم، ابتدا باید با بسیاری از مشکلات مقدماتی توسعه مبارزه کرد و بسیاری از مشکلات را حل کرد، تا بتوان گامی به سمت توسعه برداشت. در نتیجه نیاز به تکنولوژیها، مدیریتها، سیاستها و خط مشی‌های قوی و محاسبه شده‌ای است. در این راه ترویج باید به عنوان عاملی بسیار مؤثر در جهت برآورد نیاز اطلاعاتی و آگاهی و دانش مردم بکوشد. در این زمینه، این سؤال برای ترویج مطرح می‌شود، که برای حرکت دادن جامعه به سوی یک هدف توسعه‌ای، چه باید کرد و چه نیازهایی وجود دارد. از طرفی، با مراجعه به محققان و متخصصان چه چاره‌هایی برای حل مشکلات مردم در این راستا، باید تدارک شود و در نهایت، آنچه را که مردم به عنوان نتایج کاربرد تکنولوژیها به دست می‌آورند، چگونه باید به بخشهای تحقیقاتی منتقل کرد، تا آثار فعالیتهای تحقیقاتی و ترویجی در جهت رشد و توسعه بررسی گردد؟ از این جهت، مشخص می‌شود، که ترویج موتور توسعه است. اگر قرار باشد با حفظ ذخائر و منابع و با ارتقای سرمایه‌گذاریهای عقلانی به سمت توسعه حرکت کنیم، چاره‌ای به غیر از این که سرمایه‌گذاریها



مهندس غروی :

● **تعریفی که از آبخیزداری حدود ۲۰ سال مطرح بود (قبل از برنامه پنج سال اول و تفکیک وزارت کشاورزی و وزارت جهادسازندگی)، بیشتر منظور حفاظت از خاک و کنترل آن بود. اما امروز، در دنیا و همچنین در کشور، آبخیزداری را به عنوان مدیریت منابع موجود در یک حوزه آبخیز تلقی می‌کنند و نه تنها یک مقدار کار فنی و مهندسی بلکه نوع کار بیشتر مدیریتی است؛ که رکن اساسی آن ترویج و مشارکت مردمی می‌باشد.**

● **ترویج آبخیزداری، در واقع، ترویج یک نگرش به مسائل است، که به آن نگرش سیستمی گفته می‌شد و سه ویژگی عمده دارد: باید کل نگر بود، آینده نگر بود و ژرف نگر بود. این سه ویژگی پیام اصلی آبخیزداری است.**

دکتر مهربانی: اگر آموزش و ترویج را به عنوان یک بذر اصلاح شده در نظر بگیریم، نیاز به زمینی آماده است تا بذر را در آن بکاریم. این زمین، مسائل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. اگر به لحاظ اجتماعی، مردم به این باور رسیده باشند، که کاری که برای آنها انجام و ترویج می‌شود، متضمن فایده است و تأمین کننده زندگی آنهاست، می‌پذیرند؛ در غیر این

صورت آن را پذیرا نیستند. اگر زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی را فراهم نماییم، یکی از بازتاب‌های اساسی این خواهد بود که این امور به فرهنگ مردم تبدیل خواهد شد، همان‌طور که در مورد آب مطرح است. هر آنچه را که به آبادانی مربوط می‌شود؛ از آب می‌آید. یعنی بازتاب اثر آب در زندگی مردم و تبدیل آن به یک امر فرهنگی است در این راستا، ضرب‌المثلها، باورها، رفتارها و عقایدی در مورد آب بوجود آمده است. پس مجموعه شرایط اکولوژیکی و بوم‌شناختی، که حفظ منابع طبیعی و بایرداری بهره‌برداري شرط اصلی است، در این مجموعه، با شرایط اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ارتباط می‌یابد و این رابطه بحرانی به یک رابطه منطقی و سازنده تبدیل می‌شود.

● **علیرغم سابقه کم ترویج منابع طبیعی، در قیاس با ترویج کشاورزی، بفرمایید، در این مدت چه فعالیت‌های و اقداماتی در زمینه ترویج منابع طبیعی صورت گرفته است؟**

دکتر ملک‌محمدی : در مورد سابقه ترویج منابع طبیعی و ترویج کشاورزی، باید گفت: هر دوی آنها تقریباً به یک اندازه سابقه دارند. چه به لحاظ سابقه غیررسمی و غیر تشکیلاتی و چه از نظر سابقه رسمی و تشکیلاتی انسان همواره با طبیعت در ارتباط بوده و نیازهای خود را از طبیعت بدست آورده است. نحوه دستیابی به این امکانات و رفع نیازهای بین اقوام و ملل مختلف رایج بوده و نسل به نسل منتقل می‌شده است که خود، نوعی ترویج منابع طبیعی در قالب غیررسمی بوده است که این با زمان ظهور انسان در کره زمین و دستیابی به منابع، مقارن است. اما در رابطه با کشاورزی، زمانی که انسان یکجا نشین شد و زنان برای اهلی کردن حیوانات و کشت دانه‌های گیاهی و در نهایت مقیم شدن برای کشاورزی تلاش کردند، فنون کاشت و به دنبال آن داشت و برداشت بین اعضای یک خانواده و سپس بین خانواده‌های یک قبیله و بین قبایل و طوایف، به تدریج گسترش یافت. این روال برای هزاران سال تدریجاً تکامل یافت و به صورتهای مختلف به اجرا درآمد. به طور رسمی، ترویج منابع طبیعی، از سال ۱۳۲۸، در حد گسترده‌ای، در وزارت کشاورزی شکل گرفت. زمانی که ترویج کشاورزی از طریق بنیاد خاور نزدیک، در ورامین به

صوت آزمایشی زمزمه می‌شد، در طرحی به عنوان «طرح مقبل» (دکتر مقبل وزیر کشاورزی وقت) مطرح شد و ترویج، به عنوان یکی از سه رکن اساسی وزارت کشاورزی مد نظر قرار گرفت. اگر چه تشکیلات مفصلی برای آن تدارک شد، اما متأسفانه ترویج منابع طبیعی، به دلیل اعتقاد مسئولان به استفاده از روشهای بازدارنده، کمتر توسعه پیدا کرد. در مقابل، ترویج در کشاورزی، فعالیت گسترده‌ای را انجام داد.

امروزه، در قالب ترویج منابع طبیعی، فعالیتهای آموزشی و آگاه سازی، در بعد جنگلکاری، برای خانواده‌های جنگل‌نشین و مرتع‌دار انجام می‌شود. در سازمان دامپروری، ترویج دامپروری نیز شکل گرفته تا به نیازهایی که در زمینه ترویج در دامپروری وجود دارد، پاسخ گوید. شیلات نیز کار ترویج در صید و صیادی را شروع کرده و از قریب چهار سال پیش، آموزشهایی در شمال و جنوب کشور و آموزش کشتاب ورزشان را داخل کشور در برکه‌ها، و استخرهای پرورش ماهی ارائه کرده است که خیلی سریع در حال گسترش می‌باشد. در مورد دامپزشکی نیز، تلاشهایی برای ترویج روشهای بهداشتی و تحتی درمانی و دستورالعملهای تغذیه دام و طیور به عمل آمده است.

● **در رابطه با ترویج آبخیزداری، تا به حال چه اقدامات و فعالیت‌های صورت گرفته است و چه سیاست‌هایی را در این زمینه دنبال می‌کنید؟**

مهندس غروی : ترویج در آبخیزداری به خصوص بعد از انقلاب، زمینه‌اش فراهم شد. از آنجایی که مردم را باور کردیم و ضرورت همکاری و مشارکت مردم در این زمینه حس شد، در سال ۶۳ پروژه مشترکی با سازمان خواربار و کشاورزی جهانی مطرح شد که مسائل مطرح شده در آن، آموزش روستاییان زنجان، دوره‌ها و روشهای جلب مشارکت آنها بود. بعد از تفکیک وظایف و تأسیس معاونت آبخیزداری، فعالیت‌های جدی تری شروع شد، از قبیل ایجاد تسکلهای آبخیزداری و ... چرا که در رابطه با مسائل، با تک تک روستاییان نمی‌توان روبرو شد، لذا، با این تسکلهای هماهنگی بهتر صورت می‌گرفت. این طرح جزء برنامه پنج ساله قرار گرفت (طرح آبخیزیاران)، این افراد دوره‌هایی را می‌بینند و از طریق این مروجین محلی، می‌توان پیام آبخیزداری را

به مناطقی که به سادگی قابل دستیابی به وسیله کاشناسان و کمک کارشناسان نیست، فرستاد. انتخاب آبخیزداران نمونه روستایی هم کاری بوده، که اثر فوق العاده‌ای داشته و باعث تشویق آنها شده است. در شهرستان خاش، کاری در حد بیست هزار متر مکعب را که در یک سال، قرار بود، انجام شود، در دو ماه، روستاییان در حجم ۶۰ هزار متر مکعب انجام دادند و ثابت کردند که محول کردن کار به مردم و آموزش آنها، چقدر در بازده کار آنها مؤثر است.

● **با توجه به اهمیت ترویج منابع طبیعی، سمیناری تحت عنوان «اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی و امور دام و آبزیان» با محوریت ترویج منابع طبیعی در حال برگزاری است. اهداف برگزاری این سمینار چیست؟**

دکتر ملک محمدی: ما در کشور، شاهد فعالیت ترویجی قابل توجهی در بعد کشاورزی می‌باشیم، که البته باید به صورت علمی مطالعه و تقویت شود. از نظر علمی نیز، در ترویج رشد و شکوفایی خوبی وجود دارد، به نحوی که تحقیقات متعددی در مورد نقش ترویج در توسعه و کاربرد تکنولوژی انجام شده است و حتی اخیراً هشتمین سمینار ترویج کشاورزی در دانشگاه تبریز برگزار شد. اما در قالب ترویج منابع طبیعی تا حال، اگر چه اقدامات خوب بوده، ولی مطالعات محدود بوده است و در عین حال تاکنون، از این تشکلهای علمی و بهره‌برداری از نتایج و دستاوردها و مطالعات اندیشمندان، فراهم نشده است و با توجه به اهمیت بسیار حیاتی که امروزه منابع طبیعی در کشور دارد و توجه خوبی که مسئولین به این موضوع دارند، لازم است برای اعتلای فعالیتهای این بخش، تلاش بیشتری شود و از علاقمندان و محققان دعوت می‌شود، تا نتایج تحقیقات و مطالعات خود را مطرح کنند و سبانی علمی ترویج منابع طبیعی را با یکدیگر به شکل مدون به بحث بگذارند. بر همین لحاظ هم، از قریب یکسال و نیم پیش، فعالیتی در جهت برگزاری اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، صورت گرفت که بعداً دامنه آن به لحاظ اهمیت موضوع گسترده‌تر شد و دانشگاه تهران و انجمن علمی ترویج

و آموزش کشاورزی نیز، در پی گسترش ابعاد علمی آن دعوت شدند، در هر حال، این سمینار با یک مثلثی متشکل از وزارت جهادسازندگی، دانشگاه تهران و انجمن علمی ترویج و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی، در حال شکل‌گرفتن است. اهدافی که برای این سمینار مطرح است، زمینه‌های ترویج و توسعه مرتعداری، جنگلداری، آبخیزداری، دامپروری، دامپزشکی، شیلات، پرورش آبزیان و بیابان‌زدایی و محیط زیست و... تدوین شده است که اهداف گسترده‌ای هم می‌باشد. اهداف عام این سمینار، شامل طرح و توسعه دیدگاههای علمی ترویج در منابع طبیعی است و نقشی که ترویج در این منابع باید داشته باشد. از جمله: زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرتبط با ترویج، ویژگیهای بهره‌برداری، نیازهای آموزشی و ترویجی آنها و محتوای برنامه‌های ترویجی و موارد متعدد دیگری. در واقع ۹ هدف کلان، برای این سمینار پیش‌بینی شد و هدفهای فرعی متعددی در زمینه‌های مختلف موضوعی منابع طبیعی آمده است. جمعاً سی هدف برای سمینار ملحوظ شده است، که هر یک از این اهداف بعد بسیار گسترده و مهمی از بحث ترویج و سیاستهای مشارکت مردمی را از منابع طبیعی به خود اختصاص می‌دهد. قریب به چهارصد عنوان، در قالب موضوعهای علمی ترویج منابع طبیعی، توسط علاقمندان پیشنهاد شده و تاکنون قریب به یکصد مقاله، برای دبیرخانه سمینار رسیده است که تیمهای داوری، در ۸ گروه تخصصی و ترویجی مقالات واصله را بررسی می‌کنند. تلاشهای مستمر و هفتگی نیز، برای تشکیل جلسات و بهره‌گیری از تعداد کثیری از همکاران انجام می‌شود. زمان برگزاری سمینار، در اردیبهشت ماه خواهد بود. امیدواریم در این سمینار، مقالات ارزنده و قابل توجهی ارائه شود؛ تابحت منابع طبیعی، از یک زاویه علمی و عقلایی قابل قبولی در ایران و هم‌منظور در خاور میانه باز شود.

● **انتظاراتی را که از برگزاری سمینارها و برگزاری اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی دارید و دستاوردهایی را که به دنبال آن می‌باشید، را بیان بفرمایید.**

مهندس غروی: انتظارات این است، که مسائل و

مشکلات واقعی روستاییان درگرفتن پیام‌مطرح شود و مقالاتی که انتخاب می‌شوند، مقالاتی کاربردی و برخاسته از مسائل کشور و همچنین منطبق با نیازهای مردم باشد، تا بتوان در جهت برنامه‌ریزی آینده از آنها استفاده کرد.

دکتر مهرابی: امیدواریم برگزاری این سمینار، به شناخت مسائل اجتماعی و اقتصادی منابع طبیعی ایران کمک کند.

جمع‌بندی:

دکتر ملک محمدی: اگر چه، که بحث ترویج در اوایل تا اندازه‌ای برای تعداد زیادی از همکاران نامانوس بود، ولی تدریج که کار سمینار پیش رفت، قضیه ترویج در منابع طبیعی نیز جای خود را باز کرد و تلقی‌های سنتی که از ترویج متعارف در قالب اداری و اجرایی بود، تبدیل به یک تلقی علمی شد و این که ترویج امر کاملاً تخصصی است و این تخصص، در قالب علوم است که اگر با هم بیامیزند، یک ترکیب بسیار بی‌چیده‌ای را بوجود می‌آورند و استفاده از آن به عنوان راه‌گشای فعالیتهای اجرایی در سطح کشور کار ساده‌ای نیست؛ امروز، متأسفانه شاهد آن هستیم، که ترویج را به عنوان یک فعالیت سهل و ساده در نظر می‌گیرند و عده‌ای نیز بدون توجه به تخصص ترویج برای فعالیت در این عرصه جلب می‌شوند، تا به ترویج علوم و فنون بپردازند. اما پیامدهای ناصوابی که به لحاظ بی‌اطلاعی از تکنولوژیهای ترویجی پدید می‌آید، ما را بر آن می‌دارد، که به نحوی آنها را از ادامه ناآگاهانه کار منع کنیم. این شرایط، بود که ترویج در منابع طبیعی مطرح شد و این نیز جزء مقولاتی قرار گرفت که باید به اهل فن سپرده شود، تا با طراحیهای خاص خودش، کار را پیش برد. بنابراین، امیدواریم به این نتیجه برسیم که ترویج چه در منابع طبیعی چه در کشاورزی و چه در سایر جاها، بتواند با استفاده از روانشناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی و با استفاده از اقتصاد و مباحث مدیریتی و تکنولوژی‌هایی که در قسمتهای مختلف فنی مطرح هستند، به هم بیامیزد و در اعتلای فرهنگ فنی و حرفه‌ای کشور، مؤثر واقع شود. تا مردمی نداشته باشیم که بدانند، چه کاری را برای چه چیزی و چگونه انجام دهند.